



## توقف گفت‌وگوی تجاری با چین

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا جمعه گفت که گفت‌وگوهای تجاری واشنگتن و چین متوقف شده است و احتمالاً لازم باشد که دونالد ترامپ و شی جین پینگ رؤسای جمهوری دو کشور مستقیماً ورود کنند. دو هفته پس از آنکه مذاکرات آمریکا و چین به آتش پس موقت در جنگ تجاری دو اقتصاد بزرگ دنیا منجر شد، بسنت اعلام کرد که گفت‌وگوها به گندی پیش می‌رود و انتظار دارد که در هفته‌های آینده مذاکرات بیشتری انجام شود. وزیر خزانه‌داری آمریکا در مصاحبه با فاکس نیوز اظهار کرد: به اعتقاد من، شاید لازم باشد که تماسی میان رؤسای جمهور آمریکا و چین برقرار شود. وی افزود: با توجه به حجم گفت‌وگوها و پیچیدگی آنها، رؤسای جمهوری دو کشور ورود کنند. آنها روابط خوبی دارند و یقین دارم که وقتی ترامپ خواسته‌های خود را مطرح کند، طرف چینی نیز به میز مذاکره خواهد آمد.



## دیدار پس از پیشرفت مذاکرات

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین گفت بحث آماده‌سازی تماس بین ویلادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین نهاد در صورت مذاکرات سازنده در سطح هیئت‌های مذاکره‌کننده آغاز می‌شود. ابتدا باید در مذاکرات مستقیم بین دو کشور به نتیجه رسید. پس از آن، اگر چنین نتیجه‌ای حاصل شود، می‌توان در مورد تماس‌ها در بالاترین پوتین، ترامپ و زلنسکی صحبت کرد. وی گفت: «مسکو انتظار دارد که پیش‌نویس تفاهنامه بین اوکراین و روسیه در جریان دور دوم مذاکرات در استانبول مورد بحث قرار گیرد.» سخنگوی کرملین همچنین افزود، مسکو خوشحال است که نگرانی‌ها در مورد گسترش ناتو در واشنگتن درک می‌شود. ما خوشحالیم که این توضیحات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از جمله در واشنگتن قابل درک است و البته این امر از نقطه‌نظر نقش میانجیگری که واشنگتن همچنان ادامه می‌دهد، تأثیرگذار و قابل توجه است. پسکوف خاطرنشان کرد، پوتین بارها موضع روسیه درباره عدم گسترش ناتو به شرق را به مقام‌های غربی از جمله آمریکایی‌ها اعلام کرده است. این مقام کرملین همچنین افزود، آینده امنیت اروپا باید با اروپایی‌ها مورد بحث قرار گیرد، اما در استانبول مذاکراتی به طور خاص بین روسیه و اوکراین انجام خواهد شد.



## تداوم گفت‌وگوی سوریه و اسرائیل

در پی انتشار گزارش‌هایی درباره مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم میان نیروهای ابومحمد الجولانی و اسرائیل در امارات، آذربایجان، ترکیه و اردن، منابع اکنون از برگزاری سه نشست مستقیم میان طرفین خبر می‌دهند که یکی از آنها در نقطه مرزی یعنی در سرزمین‌های اشغالی سوریه بوده است. ریاست هیئت سوریه در این مذاکرات را احمد الدالاتی بر عهده داشته است که در آن زمان پست استاندار القنطره را عهده‌دار بود و پس از آن به عنوان فرمانده امنیت داخلی در استان سویدا منصوب شد. روتیزر نوشت به‌رغم اینکه الدالاتی به شکل قاطع مشارکت خود را در همه جلسات مذاکرات مستقیم با طرف اسرائیلی رد کرده اما اصل برگزاری این جلسات را رد نکرده است.

## نگاه تحلیلی

GEOPOLITICAL FUTURES

# امنیت غزه پس از جنگ

### هیچ گزینه ایده‌آلی برای امنیت غزه پس از جنگ وجود ندارد



کامران بخاری

استاد دانشگاه جورج تاون

ترکیه و جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول خواهد بود. اشغال نامحدود غزه توسط اسرائیل در زمانی که دولت ترامپ استراتژی پیچیده‌ای را برای ثبات منطقه‌ای دنبال می‌کند، بی‌ثبات‌کننده خواهد بود. همچنین این مسئله وجود دارد که آیا ارتش اسرائیل، که در حال حاضر در جبهه‌های متعددی درگیر است، می‌تواند این فشار را تحمل کند یا خیر.

اما حتی اگر اسرائیل تنها متولی امنیت غزه نباشد، حق تأثیرگذاری بر نحوه اداره منطقه، به‌ویژه پس از حمله ۷ اکتبر را برای خود محفوظ خواهد داشت. بنابراین، گزینه دوم این است که ایالات متحده مسئولیت را بر عهده بگیرد همانطور که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در ماه فوریه گفت که انجام این کار را در نظر خواهد گرفت. این طرح شامل بازسازی کل منطقه و شامل جابه‌جایی حدود ۲ میلیون نفر از ساکنان به کشورهای دیگر بود.

این رویکرد چندین مشکل دارد. اول، در ایالات متحده اشتیاق بسیار کمی برای این نوع اقدام وجود دارد و با هدف ترامپ برای کاهش حضور آمریکا در سراسر جهان نیز در تضاد است. دوم، هیچ کشوری حاضر به پذیرش ساکنان غزه در مرزهای خود نیست. در واقع، مخالفت شدید بین‌المللی با این ایده وجود داشته است. سوم، حتی اگر ساکنان غزه در جای خود باقی بمانند، و حتی اگر ایالات متحده بتواند این منطقه را از نظر فیزیکی بازسازی کند، قادر به ایجاد یک اقتصاد سیاسی پایدار نخواهد بود.

بنابراین، بیابانه‌ترامپ در مورد آینده غزه احتمالاً بخشی از تلاش گسترده‌تر برای تحت فشار قرار دادن عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی برای به دست گرفتن مسئولیت مسئله فلسطین است. واشنگتن ترجیح می‌دهد ریاض برای یافتن راه‌حل با اسرائیل همکاری کند تا اینکه انتظار تلاش به رهبری ایالات متحده برای راه‌حل دوکشوری را داشته باشد، که هیچ دولت آمریکایی در تقریباً ۴۰ سال گذشته نتوانسته است به آن دست یابد. به همین دلیل است که ترامپ چند هفته پیش در سخنرانی خود اذعان کرد که سعودی‌ها به موقع به توافق نامه ابراهیم خواهند پیوست. این امر به عربستان سعودی، به همراه سایر کشورهای عربی و مسلمان، این امکان را می‌دهد که مسئولیت امنیت، بازسازی و حکومتداری در غزه پس از جنگ را بر عهده بگیرند. مشکل این است که ریاض هیچ تجربه‌ای در این نوع امور ندارد. ثروت عظیم عربستان به این کشور نفوذ زیادی می‌دهد تا ائتلافی تشکیل دهد که بتواند به طور جمعی گذار پس از جنگ غزه را مدیریت کند. حدود یک دهه پیش، ولیعهد محمد بن سلمان (که در آن زمان وزیر دفاع بود) از تشکیل یک اتحاد نظامی اسلامی متشکل از ۴۱ کشور عربی و مسلمان خبر داد که برای مبارزه با تروریسم و هماهنگی امنیت منطقه‌ای طراحی شده است. این ائتلاف فاقد نیرو است، اما ریاض ژنرال راحیل شریف، فرمانده سابق ارتش پاکستان را به عنوان فرمانده آن منصوب کرد.

و اگرچه این ائتلاف هنوز مأموریتی را انجام نداده است، اما همچنان وسیله‌ای است که سعودی‌ها می‌توانند از طریق آن یک گروه ویژه از کشورهای عضو را برای تأمین امنیت در غزه بسیج کنند تا زمانی که این منطقه دوباره تحت کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین قرار گیرد. یک گروه ویژه می‌تواند شامل نیروهایی از مصر، ترکیه و پاکستان و سایر کشورها باشد. این یک ترتیب کمتر بحث‌برانگیز نسبت به حضور نیروهای آمریکایی یا اسرائیلی در میدان خواهد بود، اما مسائل زیادی وجود دارد که باید برای مؤثر بودن چنین نیرویی حل و فصل شود. مهمترین آنها اسرائیل خواهد بود که همچنان در دسترس است به این منطقه تسلط خواهد داشت و می‌خواهد در شکل‌دهی به غزه پس از جنگ حرفی برای گفتن داشته باشد.

چنین نیرویی باید تابع یک نهاد سیاسی باشد که بر گذار سیاسی و اقتصادی نظارت داشته باشد. اما شاید بزرگترین مسئله، وضعیت غزه و کرانه باختری به عنوان سرزمین‌های فلسطینی باشد که مستلزم مذاکرات عربستان و اسرائیل و لزوماً مشارکت ایالات متحده خواهد بود. بازسازی غزه بدون یک توافق سیاسی، فقط درگیری را از نو آغاز می‌کند.

از نظر آمریکا، وضعیت غزه چنان غیرقابل تحمل است که جنگ باید به زودی پایان یابد. این بدان معناست که هر آنچه از حکومت حماس در غزه باقی مانده است، به هر طریقی، به پایان خواهد رسید و قدرت دیگری مسئولیت امنیت غزه را برعهده خواهد گرفت اما اینکه این طرف که خواهد بود، همچنان سوالی بی‌پاسخ است.

آسوشیتدپرس در ۲۸ مه گزارش داد که یک گروه تحت حمایت ایالات متحده و مورد تأیید اسرائیل به نام بنیاد بشردوستانه غزه، مسئولیت توزیع کمک‌ها در نوار غزه را از سوی سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر عهده خواهد گرفت. این اقدام پس از محاصره سه‌ماهه اسرائیل بر غذا، سوخت، دارو و سایر مایحتاج که بحران انسانی ایجاد کرده است، صورت می‌گیرد. رهبران ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان مخالفت خود را با ادامه حمله نظامی اسرائیل ابراز کرده‌اند. در همین حال، طبق گزارشی از نیویورک تایمز، مذاکرات برای آزادی گروگان‌های باقی‌مانده در اسارت حماس با اظهارات متناقض مقامات آمریکایی و اسرائیلی و این گروه شبه‌نظامی اسلام‌گرا، در سردرگمی فرو رفته است. این مذاکرات به دو دلیل مهم دشوار بوده‌اند: آزادی گروگان‌ها و پایان حکومت حماس در غزه. این گروه که در جنگ متحمل خسارات جدی شده است، احتمالاً می‌داند که نمی‌تواند مدت زیادی کنترل سرزمین فلسطین را در دست داشته باشد. علاوه بر این، این گروه نه‌تنها از سوی نیروهای دفاعی اسرائیل، بلکه از سوی سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که نمی‌خواهند حماس در قدرت بماند، تحت فشار است. بنابراین، هدف حماس در هر مذاکره‌ای احتمالاً نجات هر چه بیشتر سازمان خود است.

آنچه همچنان به حماس جرأت بیشتری می‌بخشد این واقعیت است که هیچ اجماع بین‌المللی در مورد مکانیسم سیاسی پس از جنگ در غزه وجود ندارد. محور استراتژی بقای این گروه، این فرض است که رنج‌های تحمیل‌شده توسط اسرائیل، دولت‌های جهان را چنان خشمگین می‌کند که آنها به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، برای پایان دادن به خشونت فشار می‌آورند. حماس همچنین باور دارد که درخواست بازگشت گروگان‌ها، باعث ایجاد تفرقه در داخل اسرائیل می‌شود اما این استراتژی فقط می‌تواند حماس را تا حدی پیش ببرد و حماس این را می‌داند. تلاش‌های اسرائیل برای براندازی حماس، همچنان ساختار سازمانی این گروه را متزلزل می‌کند. اگرچه فشار بر دولت اسرائیل واقعاً افزایش یافته است، اما فشار بر حماس نیز افزایش یافته است و پایگاه حمایتی‌اش تضعیف شده است. هر چه این وضعیت بیشتر ادامه یابد، احتمال دور شدن مردم غزه از حماس بیشتر می‌شود.

کشورهایی مانند مصر و قطر که مدت‌هاست نقش میانجی را در درگیری اسرائیل و حماس ایفا کرده‌اند، و کشورهایمانند ترکیه که تا حدودی بر این گروه نفوذ دارند، احتمالاً آن را به پایان دادن به رنج‌ها تشویق می‌کنند زیرا اگر اوضاع همچنان رو به وخامت بگذارد، آنها نیز در معرض خطر ناآرامی‌های داخلی قرار دارند. به‌عنوان مثال، تصمیم اردن برای ممنوعیت فعالیت اخوان المسلمین پس از اجازه دادن به آن برای موجودیت قانونی به مدت ۸۰ سال، بی‌ارتباط با جنگ غزه نیست. حماس می‌داند که نمی‌تواند به عنوان یک سازمان نظامی ادامه حیات داشته باشد، بنابراین احتمالاً سعی می‌کند راهی برای حفظ جایگاه خود به عنوان یک نهاد اجتماعی و سیاسی پیدا کند.

در بحبوحه این همه عدم قطعیت، سوال این است که پس از پایان حکومت حماس، چه کسی مسئول امنیت غزه خواهد بود. یکی از پاسخ‌های واضح‌تر، اسرائیل است که در حال حاضر بخش‌های بزرگی از این سرزمین را کنترل می‌کند. اما این برای ایالات متحده، کشورهای عربی منطقه،

باقی‌مانده - که به عنوان قلب توانایی حماس برای حفظ موقعیت خود در غزه تلقی می‌شوند - در پیش دارد. در ۵ مه، حوثی‌ها برای اولین بار با موفقیت به فرودگاه بن‌گوریون حمله کردند. اسرائیل از زمان فروپاشی آتش‌بس با حماس در ماه مارس، که باعث کمبود مواد غذایی و دارویی و تهدید قحطی در نوار غزه شده است، اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه را نداده است. استراتژی جنگی جدید اسرائیل، پس از آنکه اسرائیل حماس را به استفاده تسلیحاتی از کمک‌ها برای حفظ قدرت در غزه متهم کرد، این بوده که کمک‌ها را از کنترل سازمان ملل یا سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی خارج کرده و آنها را در اختیار سازمان‌های منصوب اسرائیل قرار دهد. حماس همچنین اخیراً غارتگران کمک‌ها را در غزه اعدام کرده است، زیرا حماس همچنان ادعای انحصار توزیع کمک‌ها در آنجا را دارد.

با توجه به اینکه انتخابات اسرائیل در اواخر سال ۲۰۲۶ برگزار می‌شود کابینه اسرائیل احتمالاً تلاش‌های خود را برای خنثی کردن غزه به‌عنوان یک تهدید امنیتی تشدید خواهد کرد تا حمایت عمومی را از خود حفظ کند و مانع از دست دادن قدرت به مخالفان شود، اما اگر تا آن زمان نتواند حماس را شکست دهد، ممکن است با استفاده از اختیاراتش در شرایط جنگی، انتخابات را به تأخیر بیاورد. نظرسنجی‌های فعلی در اسرائیل نشان می‌دهد که اگر انتخابات بعدی اکنون برگزار شود، دولت نتانیاهو به دلیل خستگی اسرائیلی‌ها از جنگ، ناراضی‌انی از نحوه برخورد دولت با وضعیت گروگان‌ها و پیامدهای ناشی از عدم جلوگیری از وقوع حمله ۷ اکتبر، شکست خواهد خورد. با این حال، اگر کابینه اسرائیل بتواند راه‌حل جامعی برای مناقشه غزه پیدا کند - که تنها پس از شکست یا تبعید حماس به‌عنوان یک گروه شبه‌نظامی رخ خواهد داد - این اعداد نظرسنجی ممکن است تغییر کنند. با این حال، به نظر می‌رسد شکست حماس بدون تغییر جمعیتی قابل توجه در ساختار جمعیتی غزه، به‌طور فزاینده‌ای بعید به نظر می‌رسد. این امر به نوبه خود، دولت اسرائیل را به راه‌اندازی کمپین‌هایی با هدف تضعیف هویت فلسطینی و جایگاه سیاسی نوار غزه، احتمالاً با تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و انتقال ساکنان غزه به کرانه باختری، و همچنین با راه‌اندازی کمپین منطقه‌ای برای ترور رهبران و مبارزان حماس در کشورهایمانند لبنان، سوریه و عراق، ترغیب خواهد کرد. اما مشخص نیست که آیا اسرائیل می‌تواند غزه را قبل از انتخابات سال آینده خالی از سکنه کند. به‌ویژه که ارتش و مردم اسرائیل از کمپین نابودی آشکار غیرنظامیان غزه حمایت نخواهند کرد و ترجیح می‌دهند آنها را جابه‌جا کنند. اگر دولت نتانیاهو نتواند حماس را تا انتخابات ۲۰۲۶ شکست دهد، یک بلوک مهم از حمایت عمومی را در برابر مخالفتش از دست خواهد داد و به‌طور بالقوه قدرت خود را در معرض تهدید خواهد یافت. این امر به نوبه خود می‌تواند کابینه نتانیاهو را مجبور کند تا با استفاده از اختیارات جنگی، انتخابات را به تعویق بیاورد و در نتیجه نتواند استراتژی نظامی خود را برای شکست حماس ادامه دهد، به این امید که در نهایت روایت را به نفع خود تغییر دهد. اکثر نظرسنجی‌ها در اسرائیل نشان می‌دهد که اگر امروز انتخاباتی برگزار شود، مخالفان اکثریت قاطع تا ۶۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست را به دست خواهند آورد؛ که نشانه‌ای از حمایت عمومی ضعیف از دولت به رهبری نتانیاهو است. مخالفان، به رهبری یائیر لاپید، پیشنهاد کرده‌اند که یک نیروی عربی به رهبری مصر، به جای ارتش اسرائیل، کنترل غزه را به دست گیرد.

